بازتاب تاثیر ثروت بر اعتبار اجتماعی در *روزنامه‌های* عصر مشروطه(۱۳۲۶-۱۳۲۵ه.ق)

زهرا غفارزاده[۱] ، محمد سلماسی زاده،[۲] محمد عباس زاده[۳]

در دوران قاجار، ارتباط میان ثروت و اعتبار اجتماعی به شکل عمیقی برقرار بود و ثروت ابزاری مهم برای دستیابی به تشخص و اعتبار اجتماعی محسوب می‌شد.این روند در عصر مشروطه نیز ادامه یافت، اما روزنامه‌ها تلاش کردند آن را نقد کنند. مقاله حاضر با هدف بررسی بازتاب این موضوع در مطبوعات دوره مشروطه،روزنامه‌های منتشر شده در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ هجری قمری را با روش توصیفی-تحلیلی، بررسی می‌کند.هدف اصلی تحقیق پاسخ به این پرسش است که از دیدگاه روزنامه‌ها، ثروت چگونه در نمایش اعتبار اجتماعی نقش داشته و روزنامه‌ها از چه روش‌هایی برای نقد آن بهره برده‌اند. مسئله اعتبار اجتماعی و تشخص یکی از مباحث کلیدی در تفکر گئورگ زیمل است و این مقاله بر پایه نظریه او به بررسی موضوع می‌پردازد.یافته‌ها نشان می‌دهد، روزنامه‌ها ثروت را نه تنها ابزار ایجاد تشخص معرفی کرده‌اند،بلکه به نقد جدی آن نیز پرداخته‌اند.بازنمایی این نوع اعتبار اجتماعی در سه محور: نمایش سبک زندگی،تولید اعتبار کاذب از طریق رشوه‌خواری و تخریب جایگاه افراد با قدرت مالی،دیده می‌شود.روزنامه‌ها تلاش داشتند این شکل از اعتبار اجتماعی را زیر سؤال برده و آن را مخالف اصول مشروطه معرفی کنند.نتایج نشان می‌دهد که هرچند اثر روزنامه‌ها محدود بود، اما توانستند ناهنجاری‌های اجتماعی را به روشنی نشان دهند.

واژگان کلیدی: مشروطه،اعتبار اجتماعی، تشخص، روزنامه، زیمل.

[۱] دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تبریز، ایران(نویسنده مسئول)zahraghaffarzadeh5@gmail.com

[۲] دانشیارگروه تاریخ دانشگاه تبریز،تبریز، ایران. msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir

[۳] استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز،تبریز، ایران. m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

مقدمه:

در دوره قاجار، ثروت جایگاهی تعیین‌کننده در ساخت و تثبیت موقعیت اجتماعی افراد داشت و تا حد زیادی نوع رفتار و مناسبات میان افراد را رقم می‌زد. برخورداری از دارایی‌های متعدد، ثروتمندان را صاحب اعتبار می‌کرد و آنان را حتی از نقد نیز دور نگاه می‌داشت؛ ازاین‌رو ثروت به ابزاری برای ایجاد و تثبیت اعتبار اجتماعی تبدیل شد. اعتبار اجتماعی و تشخص–که در جامعه‌شناسی مفاهیمی نزدیک و گاه هم‌معنا به شمار می‌آیند– از مبانی نظری زیمل اخذ شده‌اند. زیمل در *فلسفه پول*، تشخص را حاصل احترام و ارزشی می‌داند که به‌واسطه پول شکل می‌گیرد و فرد را برخوردار از شایستگی و اعتبار، جلوه می‌دهد.

در دوره مشروطه نیز این روند تداوم یافت، اما روزنامه‌ها نقش مهمی در بازتاب و نقد آن بر عهده گرفتند. روزنامه‌ها از طریق گزارش‌ها، نقدها، مکتوبات و کاریکاتورها نشان می‌دادند که اعتبار مبتنی بر ثروت به‌صورت ساختاری در جامعه ریشه دوانده و نیازمند نظارت و برخورد قانونی است. سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ق از مهم‌ترین سال‌های رشد روزنامه‌ها به شمار می‌آیند؛ روزنامه هایی که بیشتر در شهرهای بزرگ چاپ می‌شدند، تحولات اجتماعی را بازتاب می‌دادند. اهمیت این دوره در توجه روزافزون روزنامه‌ها به تغییرات اجتماعی و مقابله با شیوه‌های استبدادی بود؛ یکی از موضوعات مورد توجه، نسبت میان ثروت و اعتبار اجتماعی بود. از منظر نظری نیز زیمل در *فلسفه پول* جامعه شهری را بررسی می‌کند؛ همان فضایی که عمده اخبار مربوط به تشخص از آن منعکس می شد. این موضوع به معنای انتشار اخبار مناطق کوچک نیست، اما نشان می‌دهد که بازنمایی تشخص عمدتاً به محیط‌های شهری اختصاص داشته است؛ زیرا تصویر افراد برخوردار از اعتبار اجتماعی معمولاً در همان فضاها شکل می‌گرفت.

در خصوص پیشینه پژوهش نیز مطالعه جامعی در این زمینه انجام نشده است. تنها نمونه مرتبط، مقاله زهرا علی‌زاده بیرجندی (۱۳۹۹) با عنوان «عوامل مؤثر بر گزینش الگوهای سبک زندگی در دوره قاجار» است که بیشتر به نقش طبقات اجتماعی در شکل‌گیری سبک زندگی پرداخته است. این مقاله از جهت طرح مسئله طبقات اجتماعی اهمیت دارد، اما به دوره مشروطه و بازتاب اعتبار اجتماعی در روزنامه‌ها اشاره نمی‌کند. بااین‌حال، از آنجا که سبک زندگی در اخبار روزنامه‌های مشروطه به‌عنوان عامل مهمی در ایجاد اعتبار اجتماعی مطرح است، توجه به این مقاله می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به بحث باشد. همین خلأ پژوهشی، ضرورت پرداختن به موضوع حاضر را توجیه می‌کند؛ زیرا امکان مقایسه دیدگاه زیمل با رویکرد روزنامه‌های مشروطه را فراهم می‌آورد و زمینه شناخت دقیق‌تر فضای اجتماعی این سال‌ها را مهیا می‌کند.

هدف این پژوهش، تحلیل بازتاب نقش ثروت در ایجاد تشخص و کسب اعتبار اجتماعی بر اساس رویکرد روزنامه‌های مشروطه در سال‌های ۱۳۲۵–۱۳۲۶ق است. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی روزنامه‌های این دوره است. پرسش‌های اصلی نیز بر این نکته متمرکز است که بر اساس دیدگاه روزنامه‌ها، ثروت چگونه در بازنمایی تشخص و اعتبار اجتماعی تاثیرگذار بود؟ روزنامه‌ها چه دسته‌بندی‌هایی در تحلیل آن ارائه داده‌اند؟ و چه راه‌هایی برای کسب یا از دست دادن اعتبار اجتماعی در این دوره مطرح بوده است؟

ساختار مقاله نیز به‌گونه‌ای تنظیم شده است که ابتدا چارچوب نظری بیان می‌شود و سپس تحلیل محتوای روزنامه‌ها ارائه می‌گردد تا بر اساس داده‌های موجود، شباهت‌ها و تفاوت‌های میان نظریه زیمل و مطالب روزنامه‌ها بررسی و به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود.

۱.چارچوب نظری:

یکی از مفاهیم مهم در اندیشه گئورگ زیمل[1](۱۸۵۸–۱۹۱۸م)–که در *فلسفه پول* بدان اشاره شده–آثار اجتماعی پول است. زیمل در بخشی با عنوان «پول و آرمان تشخ تَشَخّص» توضیح می‌دهد که ماهیت پول، داشتن یک رابطه اجتماعی است؛ بدین معنا که پول اعتبار اجتماعی ایجاد کرده و تَشَخّص [2] پدید می‌آورد (Ingham,2004:25). از نظر او تَشَخّص معیاری برای «سنجش شیوه‌های رفتار» و برآمده از فردیت‌های شاخص افراد است. معادل تشخص در اندیشه زیمل «بی‌همتایی و یکتایی» است که ارزشمند تلقی می‌شود (زیمل،۱۴۰۰ : ۴۱۴–۴۱۳). او در معنای اجتماعی، تشخص را «جایگاهی جداشده از اکثریت جامعه» می‌داند؛ جایگاهی که فرد را در «قلمروی مستقل» قرار می‌دهد و ورود هر عنصر ناسازگار موجب فروپاشی آن می‌شود؛ فرد متشخص نیز کسی است که حریم شخصیت و شأن طبقاتی خود را حفظ می‌کند (زیمل، ۱۴۰۰: ۴۱۵–۴۱۴).

زیمل بر این باور است که همه چیز با اتکا به پول[3] معنا پیدا می‌کند و هستی امور در نسبت آن‌ها با پول بازنمایی می‌شود؛ ازاین‌رو پول بخشی از روند پیشرفت تلقی می‌شود (کرایب، ۱۳۸۲: ۲۶۱). در مقابل، بی‌پولی باعث زوال عزت نفس می‌شود؛ عزت نفسی که یکی از پایه‌های تَشَخّص است (زیمل، ۱۴۰۰: ۴۱۳–۴۱۴). از نظر او شهر بستر اصلی اقتصاد پولی است و چنین رابطه‌ای در روستا کمتر دیده می‌شود (زیمل، ۱۳۷۳: ۵۵). بنابراین جامعه مورد بررسی یعنی شهرهای دوره قاجار،دقیقاً همان فضایی است که تشخص در آن شکل می‌گیرد؛ زیرا طبقه اقتصادی متشکل از افرادی است که به‌واسطه توان اقتصادی و تلاش برای کسب ثروت تعریف می‌شوند (رهبری، ۱۳۸۷: ۲۴؛ راسخ، شریفی و خدامی، ۱۴۰۰: ۱۸۹). زیمل در نهایت نتیجه می‌گیرد که اقتصاد پولی زندگی مردم را از ارزش‌های کیفی، به ارزش‌های کمی سوق داده است (زیمل، ۱۳۷۳۳: ۵۶). به طور

---

[1] Georg Simmel.

[2] کتاب زیمل از زبان آلمانی به زبان انگلیسی و سپس از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. معادل انگلیسی آن:
« Monetary Personifications » است .این واژه توسط مترجم از انگلیسی به این صورت در آمده و بیشترین مطابقت را با واژه ی آلمانی آن دارد ؛ در این معنا تشخص به معنای شخصیت سازی است که توسط پول ایجاد می شود و پول باعث ایجاد اعتبار اجتماعی برای فرد می گردد. ر.ک: گئورگ زیمل،فلسفه پول، ترجمه جواد گنجی، تهران، نشر مرکز،۱۴۰۰،ص۴۱۹–۴۱۳.

[3] در مفاهیم زیمل، پول همان دارایی و ثروت افراد است نه پول به شکل سکه یا کاغذ.

کلی بر طبق نظر زیمل، پول احساسات را برمی‌انگیزد، ما را به «قدرت مطلق خود مطمئن می‌سازد»، حس امنیت ایجاد می‌کند و همه ارزش‌ها در نهایت به آن ختم می‌شود (زیمل، ۱۳۷۳: ۳۳۵).

در جامعه دوره قاجار نیز تَشَخّص به‌معنای جدا ساختن خویش از طبقه، با مفاهیمی چون غرور، تکبر و نمایش فخر و ثروت همراه بود. نمایش تشخص هم‌زمان آثار اجتماعی پول را آشکار می‌ساخت؛ به این معنا که راه‌هایی برای انواع تشخص پدید می‌آورد و زمینه شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کرد.

در مورد روزنامه‌های منتشرشده در سال‌های ۱۳۲۵–۱۳۲۶ق باید گفت، این مطبوعات به‌سبب انتشار در دوره مشروطه اهمیت ویژه‌ای دارند؛ چراکه در تلاش بودند جامعه استبدادی را نقد کنند و با ارائه راهکارهایی برای بهبود اوضاع، مشکلات اجتماعی را بازتاب دهند. توجه به زندگی اقشار مختلف، طرح اخبار اجتماعی در کنار مسائل سیاسی، درج اعلان‌ها و افشای فساد اقتصادی از جمله محورهای آن‌ها بود. پیوند اندیشه زیمل با موضوع پژوهش در همین نقطه آشکار می‌شود: روزنامه‌ها تشخص و اعتبار اجتماعی وابسته به پول را نقد می‌کردند و ابعاد منفی آن را برجسته می‌ساختند. از نظر زیمل، تشخص و اعتبار با اتکا به پول ایجاد می‌شود و این امر به تضعیف شایستگی و رواج تجمل‌گرایی می‌انجامد؛ موضوعی که روزنامه‌های این دوره نیز بارها مورد تأکید و انتقاد قرار دادند. همچنین طبق نظر زیمل، تشخص« با تأیید جمعی حاصل از پول» تحقق می‌یابد؛ در روزنامه‌های دوره مشروطه نیز همین موضوع به تصویر کشیده شده است، زیرا افراد با برخورداری از پول و ثروت مورد تأیید قرار گرفته و اعتبار اجتماعی کسب می‌کردند.

۲.روزنامه‌ها از انتشار تا دوره مشروطه:

روزنامه معرّبِ «روزنامچه» و به معنای ثبت وقایع روزانه است. کهن‌ترین کاربرد آن در *یتیمة‌الدّهر* ثعالبی دیده می‌شود (پرویز، ۱۳۲۸: ۴۲). آشنایی ایرانیان با مفهوم اروپایی روزنامه به دوران شاه‌عباس اول بازمی‌گردد، هرچند هنوز نشریه‌ای چاپی وجود نداشت .(Bashir, 2000: 112-113) نخستین روزنامه به معنای جدید، **کاغذ اخبار** بود که میرزا صالح شیرازی در دوره قاجار منتشر کرد؛ اما از نظر استمرار انتشار با تعریف امروزی سازگار نبود؛ امروز تنها دو شماره از آن در موزه لندن موجود است (باقری ده‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۷–۱۸؛ ایزدی، ۱۳۷۷: ۲۰۹).

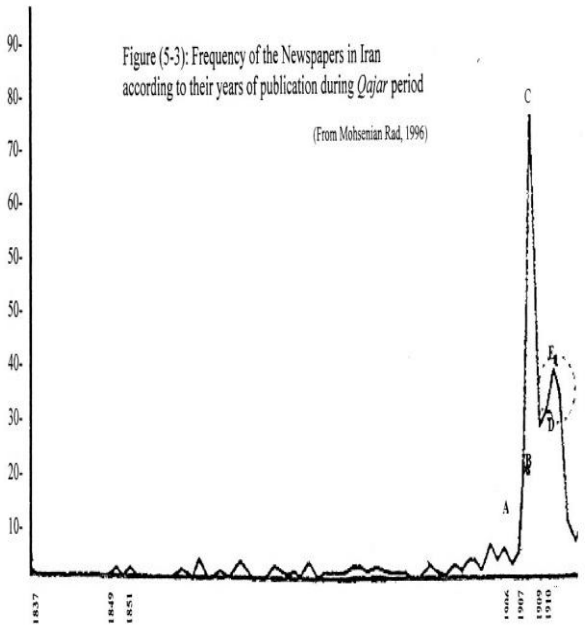
حرکت سامان‌یافته روزنامه‌ها با وقایع اتفاقیه در عصر امیرکبیر شکل گرفت و پس از او نشریاتی چون *دولت علیه ایران*، *خلاصه‌الحوادث* و *شرف* انتشار یافتند (ایردی، همان: ۲۰۹). بیشتر روزنامه‌های عصر ناصری دولتی بودند و سانسور دامنه فعالیت آن‌ها را محدود می‌کرد (کامیاب، ۱۳۹۷: ۵۱). در دوره مظفرالدین‌شاه نیز روزنامه‌هایی مانند *تربیت* و *ادب* رواج یافتند که به موضوعات اجتماعی و فرهنگی توجه داشتند (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۸۸؛ کامیاب، همان: ۵۲). روزنامه‌های این دوره را در حوزه چاپ، می‌توان به سه گروه چاپ در تهران، ایالات و خارج از کشور، تقسیم کرد (کیان‌فر، ۱۳۸۸: ۲۷۴).

در دوره مشروطه، رویکرد روزنامه‌نگاری دگرگون شد؛ توجه روزنامه‌ها از دربار به مسائل مردم معطوف گردید و ادبیات نیز جنبه‌ای مردمی‌تر و آگاهی‌بخش یافت (جلالی، ۱۳۸۹: ۵۵؛ کهن، بی‌تا: ۲۰–۲۱). رشد چشمگیر انتشار روزنامه‌ها از سال ۱۳۲۵ق آغاز شد (Bashir, Ibid: 144) در آغاز سلطنت محمدعلی‌شاه، ۹۹ نشریه در ایران منتشر می‌شد که ۶۶ مورد

آن در تهران بود (جلالی، همان: ۵۷). از مهم‌ترین روزنامه‌های این دوره می‌توان به *مجلس*، *آئینه غیب‌نما*، *روح‌القدس*، *کوکب دری*، *اتحاد* و *مساوات* اشاره کرد (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۳۱). پس از *مجلس* نیز نشریاتی چون *ترقی*، *کشکول*، *تمدن* و *الجمال* منتشر شدند (کسروی، ۱۳۸۵: ۲۸۷). سادگی زبان، طنز و نگاه اصلاح‌طلبانه از ویژگی‌های اصلی روزنامه‌های این دوره بود (کامیاب، همان: ۳۵).

در این قسمت نمودار رشد روزنامه‌ها را می‌آوریم که بر طبق آن مشخص است سال ۱۳۲۵ ه.ق از جمله سال های مهم در حوزه‌ی مطبوعات بوده است:

۱,۲ نمودارفراوانی رشد مطبوعات تا سال ۱۳۲۵ه.ق(۱۹۰۷ م):[۱]

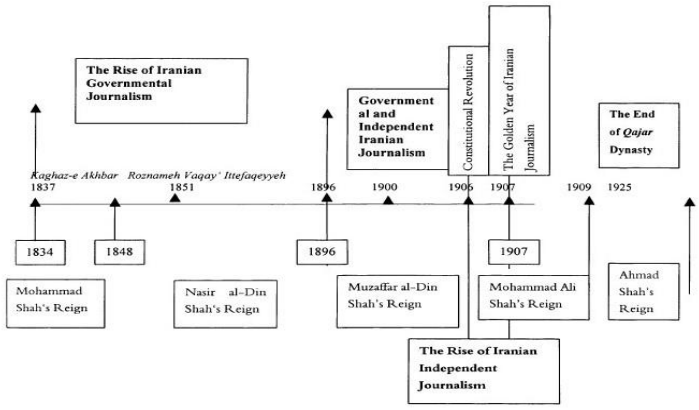


۲,۲جدول توصیفی روزنامه نگاری ایران:[۲]

Bashir, Hasan, The Iranian press and modernization under the Qajar's, Thesis submitted for the degree of doctor of philosophy, Leicester university, center for mass communication research,2000, 145.[۱]

Ibid, 149.[۲]

Figure 5-4: Three periods of Iranian Journalism during the *Qajar* dynasty.



بر طبق این جدول نیز می‌توان به رشد مطبوعات در دوره‌ی مورد نظر پی برد. این جدول سال ۱۸۳۷ را آغاز روزنامه نگاری مشخص می‌کند. سال ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۶ م را نیز به عنوان دوره ای که روزنامه‌های حکومتی انتشار قابل توجهی داشتند تا این که سال ۱۹۰۷م (۱۳۲۵ه.ق) به عنوان سال طلایی در روزنامه‌نگاری ایران نامیده می‌شود.[۱]

۳.تاثیر اوضاع مالی بر کسب اعتبار و تشخص اجتماعی:

قبل از پرداختن به موضوع بازتاب اخبار اعتبار اجتماعی و تشخص در روزنامه‌های مشروطه، باید به پیش‌زمینه‌ی توجه به این مقوله پرداخت. طبق مطالب، یکی از منابع تاثیرگذار که به موضوع تشخص می‌پرداختند، سفرنامه‌ها بودند. در یک مقایسه باید گفت سفرنامه‌ها نسبت به روزنامه‌ها قدمت بیشتری داشتند و از دیدگاه نسبتا بی‌طرفانه‌تری موضوع های مختلف را می-نگریستند. در این دوره و بیشتر در سفرنامه ها، این موضوع با مفاهیمی چون غرور و تکبر و نمایش تشخص و فخر فروشی با دارایی نشان داده می‌شد. سفرنامه ها طبقات گوناگون ثروتمند را مورد بررسی قرار دادند؛ این طبقات شامل: اصناف و بازاریان و ثروتمندانی بود که با اعمال نامشروع، توانسته بودند به مقام و اعتبار دست یابند.

جامعه ی مورد بررسی سفرنامه‌ها شامل کل ایران می‌شد، ولی روزنامه‌ها بیشتر در شهرهای بزرگ همچون تهران،تبریز،شیراز و اصفهان چاپ می‌شدند؛ لذا جامعه‌ی آماری سفرنامه ها بزرگتر است و فرصت مقایسه با مطالب و پرداختن به پیش زمینه‌ای دقیق را فراهم می‌آورد.

جامعه این دوره با نمایش این تشخص، تأثیرات اجتماعی را نیز آشکار می‌کرد. در یک تعریف، تشخص های نمایشی به مواردی اطلاق می‌شد که در آن افراد تلاش می‌کردند با نمایش ویژگی ها و قابلیت های خاص خود، موقعیت سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی خود را نشان داده و تقویت کنند. شایان ذکر است در دوره‌های تاریخی گذشته، به ویژه در فرهنگ و جوامع ایران آن روزگار، مساله نمایش ثروت یا تشخص نمایشی، به طرز چشم‌گیری رواج داشت. افراد با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون سعی داشتند تا جایگاهی سیاسی، اجتماعی، یا اقتصادی برای خود فراهم آورند. معمولاً افراد سعی می‌کردند

---

[۱] The Golden year of Iranian journalism.

تا ثروت خود را به نمایش بگذارند و این کار از طریق پوشیدن لباس‌های خاص، استفاده از لوازم آرایشی تجملاتی، و همچنین رفتارهای نمایشی از جمله تقدیم هدایا به شاه برای تثبیت جایگاه ؛ صورت می‌گرفت این اقدام، موقعیت اجتماعی آن‌ها را به شکل فوق‌العاده‌ای افزایش می‌داد و حتی آینده موفقیت‌آمیزی را برایشان تضمین می‌کرد (سرنا،۱۳۶۲: ۹۰).

سفرنامه‌ها تشخص را به صورت طبقه‌بندی بررسی کرده‌اند، بدان معنا که موضوع در مورد طبقه‌ی شاه و شاهزادگان و ثروتمندان مورد توجه قرار گرفته است. زیرا طبق مطالب ثروت است که باعث ایجاد تشخص می شود؛ در نتیجه پرداختن به طبقه‌ی اشراف و ثروتمندان در دیدگاه سفرنامه‌ها وجود داشت و موضوعی بود که توجه سفرنامه‌نویسان را به خود جلب کرده بود؛ این در حالی بود که موضوع تشخص در روزنامه‌ها نقد می‌شد؛ زیرا این منابع، بر اساس اخبار مردمی نوشته می‌شدند و توجه به اوضاع مردم عادی، اولویت بیشتری داشت.

یکی از سفرنامه نویسانی که به موضوع تشخص پادشاه پرداخته است، بنجامین است. طبق نوشته‌های بنجامین هنگامی که شاه (ناصرالدین شاه) تصمیم می‌گرفت به درباریان لطفی کند، نه تنها حقوقشان را افزایش نمی‌داد، بلکه آن ها را مامور رساندن خلعت می‌کرد. خلعت افتخار بسیار بود و دریافت‌کنندگان آن با افتخار آن را می‌پوشیدند. از آن‌ها انتظار می‌رفت که برای دستیابی به چنین فرصتی، مبالغ زیادی هزینه کرده و علاوه بر آن، هدایایی از جنس سکه‌های طلا نیز به شاه تقدیم کنند (بنجامین،۱۳۶۹: ۱۲۵۹). با این منطق می‌توان گفت تَشَخّص(اعتبار اجتماعی) برای او ایجاد شده بود و از همان لحظه در تلاش بود آن را به رخ رقبا و همگان بکشد. این نوع هدایا فراوان بودند و گنجینه پادشاه را بی‌شمار ساخته بودند (کرزن،۱۳۷۳: ۵۷۶) و سطح قدرت و اعتبار او را بالا می‌بردند که این مسئله خود تبدیل به ابزاری برای نمایش شکوه و اعتبار بود.

سفرنامه‌ها نه تنها تشخص پادشاه را توضیح می‌دادند، بلکه به تشخص افراد جامعه نیز توجه داشتند. مثلا یک سیاح روس فردی را توصیف کرده است که در یک کاروانسرا لباس‌های فاخر بر تن داشت و با وقار راه می‌رفت، در حالی که نوکرانش پیشاپیش او حرکت می‌کردند تا مقام وی را مشخص کنند. در مورد زنان نیز اشاره‌هایی به رفتارهای نمایشی آنان شده است. مانند زنانی که هنگام خروج از خانه برای خرید، سوار بر چهارپا شده و نوکرانشان چهارپایان را هدایت می‌کردند (گمنام،۱۳۶۳: ۳۷). در سفرنامه رایس نیز مواردی از تشخص زنان وجود دارد؛ طبق نوشته های این متن، زنان بختیاری از طبقات پایین‌تر برای شوهرانشان همسر دوم انتخاب می‌کردند تا همیاری در کارهای خانه داشته باشند و هم اطمینان حاصل شود که محبوب دل شوهر نخواهند شد (رایس،۱۳۸۳: ۸۸). البته در میان ایلات چند همسری رایج بود و گزینش همسر دوم برای مرد، توسط زن اول عادی بود که دلایلی همچون قادر نبودن تمام زنان برای اداره زندگی و امرار معاش را می‌توان نام برد (کجباف، الهیاری و بختیاری ،۱۳۹۲: ۴۶).

در دوره ی مشروطه این نمایش ها تداوم یافت؛ یکی از منابع مهم برای بررسی این مورد روزنامه‌های این دوران هستند؛ این منابع، این نوع نمایش از شخصیت را همراه با تکبر افراد به تصویر کشیده‌اند. در این بخش جدول روزنامه‌هایی که به موضوع تشخص پرداخته‌اند را آورده‌ایم:

نام روزنامه	سالهای چاپ	شهر چاپ	صاحب امتیاز/ مدیر	غالب اخبار	تعداد شماره‌های منتشر شده
آذربایجان	۱۳۲۵-۱۳۲۴ه.ق	تبریز	علیقلی خان تبریزی	طنز و کاریکاتور محور	۲۵
آئینه‌غیب نما	۱۳۲۵ه.ق	تهران	آقا سید عبدالرحیم تاجر کاشانی	اخبار، دارای تصاویر بزرگان.	۳۸
الجمال	۱۳۲۵ه.ق	تهران	میرزا محمد حسین اصفهانی	اخبار	۳۵
الجناب	۱۳۲۵-۱۳۲۴ه.ق	اصفهان	علی جناب	اخبار	۱۴
انجمن مقدس ملی اصفهان	۱۳۲۶-۱۳۲۴ه.ق	اصفهان	سراج الدین جبل عاملی موسوی	اخبار	۱۲۵
ترقی	۱۳۲۵ه.ق	تهران	میرزا محمد علی خان	اخبار	۲۲
تمدن	۱۳۲۸-۱۳۲۴ه.ق	تهران	مدبرالممالک	اخبار	۱۶۰
روح القدس	۱۳۲۶-۱۳۲۵ه.ق	تهران	سلطان العلماء خراسانی	اخبار	۲۸
رهنما	۱۳۲۶-۱۳۲۵ه.ق	تهران/ هفتگی	میرزا عبدالرحیم خان شیرازی	اخبار	۲۴
جهاد اکبر	۱۳۲۷-۱۳۲۵ه.ق	اصفهان	میرزا علی آقا خراسانی	اخبار	۵۵
مساوات	۱۳۲۷-۱۳۲۵ه.ق	تهران و سپس تبریز	سید محمدرضا مساوات	اخبار	۳۱
ندای اسلام	۱۳۲۵ه.ق	شیراز	سید ضیاءالدین طباطبایی	اخبار	۳۷
ندای وطن	۱۳۲۷-۱۳۲۴ه.ق	تهران	مجدالاسلام کرمانی	اخبار	۳۰۳

از جمله آثار این تشخص، جدا کردن یک طبقه از سایر طبقات جامعه بود؛ موضوعی که در روزنامه «آئینه غیب نما» با کاریکاتورها و تصاویر جالبی منعکس شده است (آئینه غیب نما،۱۳۲۵ه.ق،شماره ۱: ۱). در یک تصویر، میرغضب با چاقویی گوش مردی را می‌برد که اسب خود را به صاحب منصبی نداده است و در تصویری دیگر، مردی را به چوب بسته و می‌زنند و در جواب ناله‌هایش، او را همردیف اسب فرض کرده و حکم می‌کنند باید پول پرداخت کند (آئینه غیب نما، ۱۳۲۵ه.ق،شماره۲: ۲-۳). تصاویر دیگر این روزنامه گویای آن است که برای دستیابی به تشخص، باید پول‌های هنگفت داشت. در مجموع، تشخص نمایشی عمیقاً با سبک زندگی افراد پیوند خورده بود و طبقات برتر از این طریق می‌توانستند خود را از سایر طبقات متمایز کرده و برتری‌شان را به دیگران نشان دهند.

با توجه به مطالبی که عنوان شد و با استفاده از نظریه زیمل، به نظر می‌رسد در این دوره، پول کارکردی فراتر از اقتصاد داشته است؛ یعنی ابزاری برای ایجاد اعتبار اجتماعی و تشخص بوده است. در واقع پول در معنای ثروت و دارایی شخصی، وسیله‌ای برای کسب یا افزایش اعتبار بوده است و چه بسا در مواردی از بین بردن اعتبار را نیز در پی داشته است که در بخش های آتی بدان خواهیم پرداخت.

در یک تحلیل می‌توان گفت که تشخص نمایشی و اعتبار اجتماعی بر اساس ثروت شکل می‌گرفت و سفرنامه‌ها پیشینه‌ی این موضوع را اثبات می‌کنند. با استفاده از چارچوب نظری نیز موضوع به خوبی روشن می‌شود که تشخص باعث تثبیت روابط طبقاتی و ایجاد هویت خاص برای افراد بوده است. همچنین پرداختن به نحوه‌ی بازتاب این موضوع در روزنامه‌ها باعث روشن شدن نحوه‌ی نقد و دیگاه جامعه در این مورد می‌شود.

۱,۳.تشخص‌های نمایشی:

ابراز هویت افراد از طریق به نمایش گذاشتن سبک زندگی‌شان صورت می‌گیرد. این امر شامل جنبه‌های ذهنی، نمایش دارایی‌های مادی، علایق و سلیقه‌هاست(علیزاده بیرجندی،۱۳۹۹: ۲). افزون بر روزنامه‌ها، در دوره ی قاجار ، سفرنامه‌ها هم نمایش های متعددی از الگوی زندگی افراد ثروتمند ارایه می‌کنند که مقایسه آن با روزنامه‌ها می‌تواند به روشن شدن بیشتر موضوع کمک کند.

نوع پوشش لباس، تفاوت طبقاتی و نمایش تشخص را مشخص می‌کرد؛ در این دوره طبقات مختلفی همچون شاه و شاهزادگان، اصناف و تجار ومردم عادی زندگی می‌کردند و طبقات مختلف به طرز متفاوتی لباس می پوشیدند. برای نمونه برخی از لباس ها همچون پیراهن، مشترک بین طبقات بود، ولی افراد ثروتمند این لباس مشترک را با تناسب وضع مالی، با استفاده از کتان یا ابریشم می‌دوختند (مافی تبار و شریف زاده، ۱۴۰۱: ۱۸۲). چنانچه اولویه نیز به تفاوت نوع پوشش طبقات ثروتنمد با فقرا اشاره دارد. او در اشاره به سبک زندگی متمولین، به الگوی نمایشی تشخص اشاره دارد و موارد زیر را به عنوان نمادهای تمایز آنان برمی‌شمارد: تجملات در اثاثیه خانه و غذاها، لباس‌های خاص، زنان مزین به جواهرات و استفاده از چاکران متعدد و تفاوت لباس‌های ثروتمندان و متمولین.او درباره اغنیا می‌نویسد : پیراهن آن‌ها از ابریشم‌هایی به رنگ سرخ تهیه می‌شد،زنان‌شان بیش از مردان جواهرات حمل می‌کردند و تمام بدن خود را با وسایل قیمتی مزین می‌کردند. تجملات دیگری مانند اسلحه‌های گران‌قیمت نیز وجود داشت که مردان استفاده می‌کردند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۵،۱۵۹).

از دیدگاه دروویل، می‌توان تمایز افراد ثروتمند را از وسایلی مانند قلیان مشاهده کرد : قلیان خدمتکاری مخصوص داشت، تنباکوی مصرفی دولتمردان متفاوت و محصول شیراز بود.هنگام مصرف قلیان آداب خاصی وجود داشت، قلیان ابتدا به متشخص‌ترین فرد مجلس تعارف می‌شد و به ترتیب به افرادی می‌رسید که تشخص کمتری داشتند. وسایل قلیان هم بخشی از تجملات بود و می‌توانست دارای لعل و جواهر باشد (دروویل،۱۳۸۸: ۱۰۱–۹۹). برای مقابله با این الگوی نمایشی، در دوره‌ی ناصری اقداماتی صورت گرفته بود. مثلاً امیرکبیر بر خرید کالاهای داخلی تأکید داشت، در حالی که برخی اعیان خرید کالاهای خارجی را نمادی از تمایز می‌دانستند (قزوینی،۱۳۷۰: ۴۲).

در بخشی از خاطرات ارفع‌الدوله نیز، سبک زندگی و نمایش شخصیت برخی دولتمردان بررسی شده است. به عنوان مثال، ذکر شده که وزیر خارجه (مشیرالدوله) در هر سفر خارجی، در وزارتخانه مهمانی‌های مجللی برپا می‌کرد و تشریفات زیادی به راه

می‌انداخت. نکته جالب این است که تنها خودش اجازه استفاده از قاشق و چنگال را داشت[1](ارفع الدوله،۱۳۴۵: ۱۶۱). چنین رفتارهایی نمایانگر نوعی نمایش شخصیت و سبک زندگی افراد بانفوذ بود.

پول باعث ایجاد تمایز اجتماعی می‌شد و فردی که به آن دست یافته بود، با هزینه کردن پول و ثروت بیشتر در پی نمایش سبک زندگی خود و کسب درآمد افزونتری بود،چنین فردی در تلاش بود تا خود و طبقه‌ائی را که بدان تعلق داشت برجسته‌تر سازد.بدین ترتیب ، سبک زندگی اغنیاء بر پایه تمایز از دیگران شکل می‌گرفت آن‌ها تلاش داشتند تمایز و سبک زندگی متفاوت‌اشان را به نمایش گذارند.

۲,۳.نمایش توان مالی و تفاوت سبک زندگی:

نمایش توان مالی و تفاوت سبک زندگی در روزنامه‌های دوره مشروطه، یکی از مهم‌ترین مواردی بود که روزنامه‌ها برای نقد استفاده می‌کردند؛ تفاوتی که این منابع با سفرنامه ها داشتند، این بود که سفرنامه ها این موضوع را بیشتر از نگاه سفرنامه نویسان و به صورت اشاره به طبقات بررسی می‌کردند؛ در حالی که روزنامه‌ها این موضوع را به صورت گسترده بررسی و نقد می‌کردند و به علت مردمی بودن، مخاطب و اثرگذاری بیشتری نسبت به سفرنامه ها داشتند.

در روزنامه مساوات، نقدی به تفاوت طبقاتی ثروت و کسب تشخص صورت گرفته است. در این نقد تفاوت رعایا و ثروتمندان در سطح اقتصادی مطرح نشده است، بلکه موضوع تشخص مورد نقد قرار گرفته است. در مثالی که روزنامه در ذیل توضیحی در معنای فرمانبرداری آورده است؛ فراشی را مثال زده که وقتی آقایش می‌آمد به رکوع می‌رفت (حرکتی نشان از بندگی)، ارباب این مرد به لحاظ ظاهری و جسمی‌هیچ تفاوتی با دیگران نداشت[2]؛ تنها فرق آن بود که او دارای درشکه،پارک،خدم و حشم بود (مساوات،۱۳۲۵ه.ق، شماره۲: ۲). هدف از این خبر، انعکاس سبک زندگی اغنیا در روزنامه‌ها بود که موضوع کسب اعتبار از طریق ثروت را مورد هدف قرار داده بود.

نمونه‌ی دیگر در روزنامه ایران نو، به نقد رفتار خشونت آمیز میرزا باباخان مشیر دیوان با خدمتکارش اشاره کرده است و این موضوع را نشان می‌دهد که دارایی می‌توانست باعث حمایت از خشونت افراد ثروتمند شود؛ زیرا در این خبر با وجود نجات خدمتکار توسط زنان، مشیر دیوان بدون مجازاتی از کمیسری، عذرخواهی دریافت کرد (ایران نو، ۱۳۲۷ه.ق،شماره۵: ۲). این مورد نشان از احترام و اعتبار به علت ثروت است که مورد نقد واقع شده است.

ندای وطن نیز این موضوع را تائید می‌کند که سبک زندگی، رابطه ی مستقیمی با کسب اعتبار اجتماعی داشت. در این مطلب روزنامه به کار سنگین و مزد ناچیز رعایا و زندگی اشرافی اغنیا اشاره کرده است. اشراف افراد بیکار با رفاه افراطی توصیف

---

[1] نمایش تشخص.

[2] در آرای زیمل این نکته وجود دارد که انسانها به لحاظ سرشت برابر نیستند و این تصور باعث شده که«مواجهه ی میان برابری و آزادی بر پایه ای غلط» شروع‌شود؛ از نظر او این فرض که طبق«شرایط طبیعی حاکم» انسانها با هم برابرند غلط است. تحلیل او این است که اگر در جایی فرهنگ شکل نگرفته باشد نیز نابرابری در همان جا نیز به شکل ظالمانه ای ایجاد می‌شود. حتی اگر آزادی نیز ایجاد شود، باعث نابرابری خواهد شد. ر.ک: هرست هله، اندیشه اجتماعی گئورگ زیمل، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران،گل آذین،۱۳۹۳، ۱۴۰-۱۳۹.

شده‌اند (ندای وطن، ۱۳۲۶ه.ق،شماره۱۸۸ و ۱۸۹: ۲). این خبر حاکی از نقد روزنامه نسبت به شکل‌گیری تفاوت طبقاتی و نابرابری است. نتیجه چنین موردی ایجاد شخصیت و اعتبار برای افراد ثروتمند است و پول و قدرت اقتصادیِ به دست آمده، باعث می‌شود طبقات مرفه جایگاه اجتماعی برتری بیابند و به نمایش سبک زندگی خود بپردازند.این امر زمینه‌ای برای افزایش فرصت‌های شغلی و اقتصادی آن‌ها ایجاد کرده و قدرت‌شان را تقویت می‌کرد.

مورد دیگر که توسط روزنامه رهنما برجسته شده است، رابطه مقام شغلی با توان مالی است؛ در این خبر به اوضاع اسف بار زندگی «نوکر باب ها» اشاره شده است که با وجود دارا بودن مقام و رتبه اداری، درآمد کافی نداشتند. در این خبر به محدودیت شغلی آن‌ها نیز اشاره شده است که به خاطر شان اجتماعی امکان پرداختن به مشاغلی که به اعتبار اجتماعیشان خدشه وارد می‌کرد را نداشتند. روزنامه این تشخص اجتماعی را با عناوینی مورد بررسی قرار داده است: برای مثال، یک سرهنگ یا سرتیپ نمی‌توانست با فروختن هندوانه درآمد کسب کند، زیرا شأن و حیثیت شغلی مانع چنین فعالیتی می‌شد و موجب تمسخر آن‌ها می‌گردید؛ به عنوان مثال، عناوینی چون «خان هندوانه فروش» یا «شاهزاده قهوه‌چی»می‌توانستند به عنوان القابی تحقیرآمیز مطرح شوند (رهنما، ۱۳۲۵ه.ق،شماره۹: ۲).

طبق مطالب، روزنامه‌های این دوره در تلاش بودند شکاف طبقاتی که در اثر نمایش دارایی ایجاد شده بود را نقد کند و با بررسی تفاوت در سبک زندگی رعایا و اغنیا به مشکلات جامعه بپردازند. ثروت ابزاری برای ایجاد و تثبیت تشخص و اعتبار تبدیل شده بود و افراد با توجه به دارایی خود، می‌توانستند هرگونه اعمالی را صورت دهند و چه بسا از برخورد قانونی در امان باشند. هدف روزنامه‌ها از بازتاب این اخبار، اشاره به وضعیت مردمی بود که در این وضعیت آسیب می‌دیدند.

٤.تاثیر ثروت بر ایجاد اعتبار کاذب:

ثروت و دارایی در دوره قاجار، نقش مهمی در ایجاد اعتبار کاذب داشت، بدان معنا که این نوع تشخص و اعتبار بر اساس شایستگی افراد نبود، بلکه فقط بر اساس دارایی بود و منجر شده بود اشخاص با نفوذ مالی جایگاهی را به دست بیاورند که مناسب آنان نبود. این مورد را می‌توان اعتبار کاذب نامید، اعتباری که نه بر اساس شایستگی، بلکه بر اساس پول شکل گرفته بود. پیشینه‌ی توجه به این مطلب نیز در سفرنامه ها وجود دارد؛ اما در یک مقایسه با روزنامه‌های عصر مشروطه می‌توان به این نتیجه رسید که روزنامه‌ها بیشتر و دقیق‌تر از سفرنامه‌ها، این نوع تشخص کاذب را نقد کرده و آن را میراث دوره‌ی استبداد می‌دانستند.

یکی از نمونه های روشن اعتبار کاذب در دوره‌ی قاجار خرید لقب و منصب بود که توسط سفرنامه ها مورد تاکید قرار گرفته بود. شایان ذکر است این تشخص کاذب همیشه در معرض نابودی بود. کارلا سرنا موضوع خرید القاب سلطنتی یا دولتی را به عنوان مثال واضحی از تشخص کاذب مطرح کرده است.او می‌نویسد در دوره قاجار، دولتمردان، درباریان و حکام برای کسب القاب نیاز به صرف هزینه مالی داشتند که این القاب می‌توانست اقتدار یا تمول افراد را افزایش داده و باعث دستیابی به موقعیت‌های برتر اجتماعی و اقتصادی شود (سرنا،۱۳۶۲: ۱۲۰–۱۱۹). بنجامین نیز به خرید منصب و مقام اشاره کرده و اعتقاد داشت بعضی از بزرگان تنها از طریق دریافت هدایا توانایی پرداخت حقوق کارکنان خود را داشتند (بنجامین،۱۳۶۹: ۱۲۵–۱۲۶). در واقع، اعتبار کاذب با ثروت و هدایا به دست می‌آمد و امری نهادینه شده در جامعه بود. طبق مطالب روزنامه‌های

مشروطه، از جمله ندای وطن، به نظر می‌رسد این اعتبار کاذب محدود به اربابان نبود، بلکه نوکران ارباب نیز می‌توانستند از این اعتبار کاذب استفاده کنند. این روزنامه به کسب مناصب دولتی توسط توتون فروشان یا شاگرد قهوه‌چیان اشاره کرده و آن را نه به دلیل شایستگی این افراد، بلکه به واسطه تشخص کاذب اربابانشان می‌داند (ندای وطن،۱۳۲۶ه.ق، شماره۱۸۹– ۱۸۸ : ۲). سرنا نیز این موضوع را تائید کرده است که در این دوره این افراد به علت قدرت اربابشان، بدون پرداخت پول، کالا دریافت می‌کردند (سرنا،۱۳۶۲: ۱۲۱). روزنامه آذربایجان نیز ضمن نقد این موضوع، گزارش می‌دهد که این تعرض به اموال مردم عادی، هیچ آسیبی به شان اجتماعی این افراد وارد نمی‌کرد (آذربایجان،۱۳۲۵ه.ق،شماره ۲: ۷)؛ در نتیجه، این مردم عادی بودند که هزینه های این تشخص کاذب را با جان و مال پرداخت می‌کردند.

کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان، به خوبی این مطالب را منعکس می‌کردند. در یکی از نمونه ها، زنی فقیر در برابر مباشر یک ارباب تصویر شده که با تکیه بر قدرت مالک، رفتاری خشونت‌آمیز دارد و با وجود درخواست زن برای بخشش خدمتانه، مباشر او را تهدید می‌کند (آذربایجان، ۱۳۲۵ه.ق، شماره۱۲: ۴). در شماره های قبل نیز در کاریکاتور دیگری از همین روزنامه، تقسیم مال ارباب و دهقان به تصویر کشیده شده است، ارباب با کلاه بزرگ‌تر نشان داده شده و دهقان با لباسی کهنه عاجزانه ایستاده؛ اگر چه– در ظاهر– هردو یک سوم از مال را دریافت می‌کنند، اما سهم ارباب بیشتر به نظر می‌رسد که نشان‌دهنده وضع مالی او به عنوان صاحب زمین است (آذربایجان،۱۳۲۵ه.ق، شماره۱: ۸). باید تاکید کرد که مسئله ارباب و رعیت یکی از موضوعات مهم جامعه ایران بود. در مجلس اول نیز تلاش‌هایی برای حل این مسئله، مانند الغای رسم تیول و تعدیل مالیات رعیت، صورت گرفت (آدمیت،۱۳۶۳: ۶۶–۶۵). اما در تاریخ ایران، جایگاه مالی اربابان باعث می‌شد که خود را بالاتر از سایر افراد بینند و حریص‌تر شوند.

روزنامه آذربایجان نمونه های دیگری از فشار اقتصادی ارباب نسبت به رعایا را به تصویر کشیده است؛؛ در کاریکاتوری، اربابی بزرگ‌تر از دهقان کشیده شده و یک رعیت برای کسب اجازه برای عروسی به او مراجعه کرده و دو کله قند به همراه آورده است؛ اما خان خود را بالاتر دانسته و سهم بیشتری برای موافقت با عروسی می‌خواهد (آذربایجان،۱۳۲۵ه.ق، شماره۲: ۸). این نشان می‌دهد که فرد در مقابل نفوذ مالی حاکم یا ارباب هیچ‌گونه آزادی ندارد. در شماره هفتم همین روزنامه تصویر دیگری ارائه شده است : حاکم نشسته و رعیت هدایایی را تقدیم می‌کند. از جمله این هدایا گوسفند و مرغ است؛ اما حاکم ناراضی است و اشاره می‌کند که بار قبلی به او گفته شده بود که اگر بدون سوغات بیاید، تنبیه خواهد شد (آذربایجان، ۱۳۲۵ه.ق،شماره۷: ۴).

مسابقه برای دستیابی به چنین تشخص‌هایی در برخی موارد به حدی تشدید می‌شد که شاهزادگان دست به تجاوز به حقوق و حرمت مردم عادی می‌زدند. به گزارش روزنامه وطن، یکی از شاهزادگان به دلیل مشاهدهٔ زنی ثروتمند و مالک اسب روسی و درشکه، با او عقد صوری کرد تا به نوعی شان خود را نشان دهد و در ایام رمضان چند روزی با غرور در محافل ظاهر شود تا مردم بدانند یک جفت اسب روسی دارد که ارزش آن ۵۰۰ تومان است.شوهر زن هر چه تلاش کرد، موفق به بازگرداندن همسرش نشد (ندای وطن،۱۳۲۵ه.ق، شماره۸۳: ۳).

روزنامه‌ها با این نوع بازتاب خبری، در تلاش بودند ضمن نقد این رفتارها، آن را میراث دوره‌ی استبداد معرفی کنند. روزنامه الجمال نمونه‌هایی از حکامی آورده که تنها با رشوه و آزار مردم توانسته بودند قدرت خود را حفظ کنند، این دارایی سبب ایجاد سپاه برایشان شده بود ولی این سپاهیان نیز به علت نبود معیشت کافی، دست به غارت اموال مردم می‌زدند (الجمال، ۱۳۲۵ه.ق، شماره۱۸: ۱). روزنامه تمدن نیز همین نکته را مورد تاکید قرار داده است؛ در واقع، از نظر روزنامه، چنین رویدادهایی بدان معنا است که مستبدان و ناشایستگان خود را از طبقات دیگر جدا می‌دیدند و با استفاده از هر راهی به دنبال کسب مقام بودند.روزنامه تمدن نیز در مقاله‌ای با عنوان «جالب دقت ریاست نظمیه»، به آشوبی پرداخت که یک صاحب منصب در نتیجه نادیده گرفتن حقوق کسانی که از لحاظ تشخص اجتماعی از او پایین‌تر بودند، ایجاد کرد (تمدن،۱۳۲۵ه.ق، شماره۳: ۳).

برخی از روزنامه‌ها حاکمیت قانون را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارها برای از بین بردن تشخص‌های کاذب معرفی کردند. ندای وطن، در مقاله‌ای با عنوان «محافظات قانون اساسی»، اجرای صحیح قانون برای پایداری دولت مشروطه ، از بین بردن تشخص های کاذب و ایجاد شایسته سالاری را ضروری دانست و نوشت : تا چند سال گذشته اگر فردی با نفوذ و مقام خواستار ملکی می‌شد، هیچ کس جرات مقاومت یا مخالفت نداشت. به‌ویژه اگر فرد درخواست‌کننده یک روحانی بود، مخالفت با او می‌توانست نه تنها به از دست رفتن ملک بلکه به تباهی اعتبار اجتماعی مخالف نیز منجر شود. چنین شرایطی موجب شده بود تا امنیت مالی برای بسیاری از افراد وجود نداشته باشد و افراد با قباله‌های جعلی از زمین و املاک خود محروم شوند (ندای وطن، ۱۳۲۶ه.ق،شماره۲۲۶-۲۲۵: ۱).

در تحلیل عمیق‌تر این موضوع می‌توان بیان داشت که تشخص‌های کاذب و روند نمایشی قدرت و ثروت یکی از مشکلات رایج در جامعه قاجار به ویژه در دوره ی مشروطه بودند. علت عدم مقابله دولت با این مشکل را می‌توان بنا به دلایلی مختلف توجیه کرد: نخست اینکه بسیاری از صاحب‌منصبان خود جزو طبقه غنی بودند؛ دوم اینکه نسبت‌های فامیلی بین افراد ثروتمند سبب می‌شد اقدامات جدی صورت نگیرد؛ سوم اینکه قدرت اقتصادی آن‌ها به حدی بود که می‌توانستند از طریق پرداخت‌های مالی خود را از مشکلات برهانند.در نهایت، احتمالاً فساد اداری نیز در این بی‌عملی دولت نقش داشت. همچنین طبق مطالب، روزنامه‌ها در تلاش بودند این موضوع را نقد کرده و با بازتاب خبری، به مشکلات رایج در جامعه بپردازند. شایان ذکر است از منظر نظری نیز نکات مورد تاکید زیمل در این بخش قابل مشاهده است، قدرت و ارزشمندی پول در اخبار به خوبی نمایش داده شده است و باعث شده افراد قدرت روزافزون داشته و اعتبار کسب کنند. بر این اساس، نظریه‌ی **زیمل به خوبی بیان‌کننده‌ی جامعه ای است مه توسط روزنامه‌ها بازیابی شده است.** البته نمی توان این موضوع را به کل جامعه تسری داد ،زیرا جامعه‌ی مورد بررسی روزنامه‌ها شامل کل مناطق ایران نمی شد، فقط اخبار شهرهای بزرگ و برخی مناطق را منعکس می‌کرد، ولی می‌تواند به عنوان نمونه‌ای قابل استناد، مورد بررسی قرار بگیرد.

۱,٤.رشوه وکسب احترام کاذب:

یکی از مطالبی که روزنامه‌های دوره مشروطه، منعکس می‌کردند، مربوط به اثر رشوه در کسب احترام کاذب بود. در این مورد گئورگ زیمل نیز نظریاتی ارائه کرده است که اول از این منظر موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس دیدگاه روزنامه‌ها در این مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

زیمل معتقد است که گاهی تشخص پولی از طریق روش‌های نامناسب مانند رشوه‌خواری ایجاد می‌شود.رشوه می‌تواند به عنوان توافقی برای محافظت از فرد رشوه‌گیرنده باشد، به این معنی که فرد در برابر انکار خود و احساس بی‌ارزشی ناشی از شخصیتش، برای کسب تشخص، خود را در قبال مقداری پول قربانی می‌کند.(Simmel,2004: 387) از دیدگاه او، این رفتار به معنای دست‌یابی به اعتبار از راه‌هایی نامشروع است.

زیمل رشوه را معادل خرید یک فرد می‌داند و معتقد است فردی که در معرض قبول رشوه قرار می‌گیرد، برای حفظ ظاهر و پنهان کردن موقعیت خود، به یک وجهه اجتماعی خاص متوسل می‌شود، وجهه‌ای که به ریشه‌های عمیق شخصیت او و رابطه او با عمل رشوه‌گیری بازمی‌گردد.به همین دلیل، عمل رشوه‌گیری تحقیرآمیز تلقی می‌شود؛ چراکه نشان‌دهنده ارزشی است که فرد با قبول آن معامله به آن تن می‌دهد (زیمل،۱۴۰۰: ۴۰۷)؛ در واقع این گونه ارزش ها در جامعه مدرن ضدارزش هستند.

رشوه در دروه قاجار تبدیل به امری عادی شده بود، چنانچه سفرنامه‌نویسانی چون کارلا سرنا و دوگوبینو، از اوضاع اسف بار شیوع رشوه صحبت کرده‌اند. طبق این مطالب، گاه نظام پرداخت حقوق با رشوه پیش می‌رفت؛ موضوع در حدی بود که با واگذاری قسمتی از حقوق به دیگران و پرداخت رشوه، امکان وصول حقوق میسر می‌شد (سرنا،۱۳۶۲: ۱۲۲؛ دوگوبینو،۱۳۸۳: ۲۸۵). افراد با پرداخت رشوه می‌توانستند مامورین حکومتی را از خود راضی ساخته و املاک خود را حفظ کنند (دالمانی،۱۳۳۵: ۷۴) بنجامین نیز اعتقاد داشت رشوه خواری یک نظام سیاسی پایدار در طول تاریخ ایران بوده است (بنجامین،۱۳۶۲: ۱۲۶). مطالب روزنامه‌ها نیز نشان می‌دهد که این موضوع تداوم یافته و به راهی برای نمایش اعتبار اجتماعی نیز تبدیل شده است.

در روزنامه‌های عصر مشروطه نیز رشوه یکی از موضوعات مهم و محل بحث بود. روزنامه مساوات در تحت عنوان «راجع به اداره گمرک» از ادامه کار روسای بلژیکی خزانه از جمله مرنار، انتقاد می‌کند و علت تاخیر در برکناری آنان را پرداخت رشوه می‌داند (مساوات، ۱۳۲۶ه.ق، ش۱۴: ۶). این موضوع نشان می‌دهد روزنامه با انعکاس این خبر قصد داشت، رشوه را به عنوان ابزاری برای سودجویان مطرح کرده و به نقد آن بپردازد؛ توجه به جزئیات ماجرا نیز حاکی از موثق بودن اخبار است.

روزنامه ندای اسلام نیز در مقالاتی جداگانه به افشای پیامدهای رشوه پرداخته و آن را عامل ریخته شدن خون مردم، ورود افراد نالایق به مجالس محلی و وکیل شدن افراد بی‌سواد و متقلب می‌دانست (ندای اسلام ، ۱۳۲۵ه.ق،ش۲۸: ۴). این روزنامه سپس ریشه این رفتارها را در فرهنگ جستجو کرده و می‌نویسد که بسیاری از افراد بی‌صلاحیت، با نمایش‌های ظاهری همچون اسب، نوکر، لباس‌های فاخر و خانه‌های آراسته، تلاش می‌کردند تشخص کاذب بسازند و سپس با دریافت رشوه، جایگاه خود را تثبیت کنند (ندای اسلام، ۱۳۲۵ه.ق، ش۲۹: ۸-۷). چنین خبری قصد داشت نشان دهدکه رشوه باعث ایجاد اعتبار کاذب و ورود افراد ناشایسته به عرصه قدرت شده بود.

روزنامه ندای وطن نیز با استناد به احکام شرعی، گزارش می‌دهد که مجلس تصمیم گرفت، رشوه‌گیران و رشوه دهندگان را از مناسب دولتی برکنار کند و آن‌ها را به صورت مادام‌العمر، از ورود به امور حکومتی محروم کند (ندای وطن، ۱۳۲۵ه.ق، ش۱۶: ۲-۱). این گزارش بیانگر تلاش روزنامه برای نهادینه سازی قانون و مقابله با اعتبار کاذب است.

روزنامه روح القدس نیز نمونه‌های متعددی از زندگی‌های مرفه بر پایه رشوه را عنوان کرده است؛ از جمله رشوه گرفتن اطلاع الدوله از رعایای خرم آباد، پرداخت ۲۴ هزار تومان رشوه توسط حشمت الدوله برای فروش اراضی سرحد قائن و سیستان، احتمال پرداخت رشوه توسط شجاع الدوله برای تبرئه خود در قضیه انتقال اهالی قوچان و همچنین خیانت متولی باشی قم در موقوفات که با پرداخت ۱۰ هزار تومان رشوه و هدیه کردن یک جفت اسب روسی، موفق به فرار شده بود (روح القدس ، ۱۳۲۵ه.ق، شماره ۱۱: ۳-۲). این نمونه‌ها نشان می‌دهد که رشوه، یکی از مسیرهای تثبیت قدرت و کسب اعتبار اجتماعی در میان صاحب منصبان شده بود.

در یک نگاه تحلیلی می‌توان چنین بیان داشت که افراد برای دستیابی به تشخص مالی و تثبیت اعتبار اجتماعی خود تنها به مسیرهای مشروع و قانونی کسب درآمد بسنده نمی‌کردند، بلکه راه‌های نامشروعی چون رشوه‌خواری را نیز در پیش می‌گرفتند. روزنامه‌های آن دوره با وجود همه محدودیت‌ها، تلاش جدی برای نقد این آسیب اجتماعی داشتند و آن را یکی از عوامل اصلی استمرار ساختار استبدادی می‌دانستند اما به نظر می‌رسد، تلاش‌ها تاثیر قابل توجهی در کاهش این پدیده نداشت و رشوه همچنان به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد تشخص کاذب در جامعه باقی ماند.

۲,۴ارتباط رشوه با کسب تشخص در مطبوعات:

یکی از این نتایج، ایجاد تشخص و شهرت مالی برای فردی است که رشوه دریافت می‌کند.رشوه‌گیرنده با هدف افزایش جایگاه اجتماعی خود و رسیدن به مراتب بالاتر، از رشوه بهره می‌جوید.

اغلب افراد دارای مقام و منصب برای افزایش نفوذ خود، رفتاری فخرفروشانه اتخاذ می‌کنند تا بتوانند با نمایش ثروت و قدرت، همچون نشستن در صدر مجلس یا داشتن امکانات و تجملات بی‌پایان، دیگران را تحت تأثیر قرار دهند.این افراد به حدی غرق در جاه‌طلبی هستند که برای حفظ جایگاه خویش، از انجام اعمال خشونت‌آمیز مانند قتل و غارت نیز ابایی ندارند (ندای اسلام،۱۳۲۵ه.ق، شماره۲۹: ۷).

روزنامه ندای اسلام با مقایسه بین سبک زندگی اغنیا و فقرا به نابرابری در برخورد با این دو قشر اجتماعی می‌پردازد. این روزنامه اشاره دارد که چگونه در صورت ارتکاب جرم توسط فقرا، آنها به سرعت مجازات می‌شدند، اما اغنیا غالباً مورد عفو قرار می‌گرفتند.همچنین به عیاشی و خوش‌گذرانی اغنیا می‌پرداخت که با استفاده از قدرت مالی‌شان(پرداخت رشوه) از مجازات فرار می‌کردند؛در حالی که کارگران و افراد بی‌بضاعت به دلیل ناتوانی در پرداخت رشوه، حتی برای خطاهای کوچک مجازات می‌شدند (ندای اسلام، ۱۳۲۵ه.ق،شماره ۱۵: ۴).این وضعیت بازتاب نظام ناعادلانه حاکم بر آن زمان بود.

در گذشته، افراد گاهی مجبور بودند رشوه بدهند تا املاکشان از دست ثروتمندان گرفته نشود؛ زیرا ثروتمندان می‌توانستند از مقابله قانونی به وسیله پول سرباز زنند و در نتیجه به هر شیوه ی دلخواه رفتار نمایند که یکی از این موارد غصب اموال مردم بود (المنطبعه فی الفارس، ۱۲۸۹ه.ق، شماره۹: ۳). با این حال، وضعیت به گونه‌ای بود که ثروتمندان می‌توانستند با پرداخت رشوه بیشتر برای مردم مشکلاتی ایجاد کنند. (المنطبعه فی الفارس، ۱۲۸۹ه.ق، شماره۹: ص۴ ؛ جهاد اکبر، ۱۳۲۵ه.ق، شماره۱۸: ۳).

در یک بررسی دقیق‌تر می‌توان گفت پدیده رشوه خواری توسط روزنامه‌ها از دو منظر بررسی می‌شد۱. روزنامه‌هایی که آن را موضوعی غیرعادی می‌پنداشتند و با وجود جریان داشتن در جامعه، بر عدم پذیرش آن تاکید داشتند۲. روزنامه‌هایی که مخالف رشوه خواری بودند و سعی داشتند وضعیت را تغییر دهند.از جمله روزنامه‌های منتقد، روزنامه جهاد اکبر بودکه رشوه خواری را نقد کرده و آن را مسئله‌ای عادی نمی‌دانست. این روزنامه رشوه خواری را به عنوان یکی از علل رواج فساد مطرح می‌کرد و اشاره داشت که هیچ کاری بدون رشوه پیش نمی‌رود (جهاد اکبر، شماره۱۸: ۳). همچنین اظهار داشت که رشوه تبدیل به منبع معیشت و درآمد برخی افراد شده و تنها راه مقابله با آن، اجرای قوانین است (جهاد اکبر، شماره۲۴: ۶). این روزنامه تلاش می‌کرد نشان دهد تشخص‌هایی که بر پایه رشوه شکل گرفته‌اند، پوچ و بی‌ارزش است.

روزنامه الجناب نیز بر این عقیده بود که رشوه نباید به یک امر عادی تلقی شود. این روزنامه به تحصن صیادان انزلی اشاره می‌کرد و تصمیم آنان مبنی بر عدم فروش ماهی به قیمت پایین به «استپان لیونازاف»[۱] ارمنی را نتیجه رشوه خواری قبلی می‌دانست (الجناب، شماره۱۰: ۲). البته صیادها دست از تلاش نکشیده و عریضه ای به مجلس می‌دهند اما عین الدوله(صدراعظم) و همچنین وزیر داخله یا خارجه که رشوه گرفته بودند در این راه کارشکنی‌کردند. مجلس در پی چاره اندیشی افتاد و تلاش کرد این پول‌ها را از عین الدوله پس بگیرد (انجمن مقدس ملی اصفهان، شماره۱۱: ۸).

در سال ۱۳۲۵ ه.ق، برخی روزنامه‌ها رشوه خواری را مسئله‌ای عادی می‌پنداشتند. برای مثال، روزنامه «شاهنشاهی» همه انواع رشوه‌ها را حرام نمی‌دانست و آنها را به دو دسته حلال و حرام تقسیم می کرد.برای نمونه:قضاوت قاضی با رشوه و رشوه به پیشکار پادشاه حرام بود و رشوه‌های حلال که از آن با عنوان «*به روایت اصلح حلال*»[۲] یاد می شد مواردی مانند رشوه بعد از حل و فصل امور و رشوه از بیم هجو شاعران را در بر می گرفت (شاهنشاهی، شماره۹: ۴-۳). چنین مواردی حاکی از تفاوت دیدگاه‌هایی است که در این مورد خاص در روزنامه‌های این دوره دیده می‌شوند.

روزنامه ترقی به تحلیل و مقایسه دو دوره استبداد و مشروطه پرداخت و معتقد بود که پس از مشروطه تغییرات قابل توجهی رخ داده است. از دیدگاه این روزنامه، در دوران استبداد، رشوه و تعارف بسیار رایج بود و اکنون نیاز به قانونی جدی برای مقابله با رشوه‌خواری در امور دولتی احساس می‌شد. پیشنهاد می‌شد هر فردی که رشوه می‌دهد یا می‌گیرد، به شدت مجازات شده و از فعالیت‌های دولتی برکنار گردد (ترقی،۱۳۲۵ه.ق،شماره۱۳: ۱). نویسندگان روزنامه، همچنین بر این نکته تاکید دارند که برخی از وزرا و حکام ولایات، با وجود ممنوعیت قانونی تحت نظام مشروطه، همچنان به دریافت رشوه اقدام می‌کنند. این

---

[۱] .لیانازف یک تبعه روسیه بود که امتیاز انحصاری شیلات شمال را از مظفرالدین شاه گرفته بود.

[۱] . یعنی این نوع از رشوه بنا به روایات صحیح و اصلح ، حلال است.

نشریه هشدار می‌دهد که این افراد باید از این رفتار ناپسند دست برداشته و بر اساس اقتضائات قانون مشروطیت عمل کنند. (همان: ۲) در دوران مشروطه، تلاش‌هایی برای مبارزه با پدیده رشوه انجام شد که از جمله آن‌ها تصویب قانون منع رشوه‌گیری بود. در مذاکرات مجلس اول در تاریخ ۲۰ محرم ۱۳۲۵ هجری قمری، قانونی مورد بحث قرار گرفت که شامل موارد زیر بود۱. محکومیت کارکنان دولتی در صورت رشوه‌گیری ۲. الزام به بازگرداندن مبلغ رشوه ۳. برکناری دائمی «رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده از خدمات دولتی که با قطع حقوق همراه بود (ناظم الاسلام کرمانی،۱۳۷۷: ۱۰۰). به این ترتیب، رشوه‌خواری نه تنها فساد فردی، بلکه نمونه‌ای از نظام اجتماعی مبتنی بر پول و نمایش تشخص بود؛ روزنامه‌ها نیز تلاش کردند با نقدهای خود آن را میراث استبداد معرفی کنند تا شایسته‌سالاری جایگزین آن شود.

۵. نقش پول در تولید و تخریب اعتبار اجتماعی:

یکی از مهم‌ترین مضامین مطرح شده در روزنامه‌های عصر مشروطه، مسئله خریدنی شدن تشخص و تاثیر پول بر ایجاد و تخریب تشخص و اعتبار اجتماعی بود. روزنامه‌نگاران این دوره با استفاده از طنز، کارکاتور و گزارش های انتقادی، نشان دادند که چگونه سرمایه اقتصادی می‌توانست جایگزین شایستگی، اخلاق و کارآمدی شود و اعتبار افرار را بسازد یا نابود کند.

در روزنامه «آئینه غیب نما»، چندین شماره به این موضوع اختصاص یافته است. در شماره ۹، کاریکاتوری از سربازی ترسیم شده که با پول سعی دارد منزلتی برای خویش بخرد (آئینه غیب نما،۱۳۲۵ه.ق، شماره۹: ۳). همچنین در شماره ۱۱، مردی با کلاهی شبیه به بوق نشان داده می‌شود که چهره‌ای مشابه شیطان دارد؛ او اظهار می‌کند که مدت‌ها پول صرف کرده تا وجهه وزیر داخله را خدشه‌دار سازد و او را دشمن مجلس جلوه دهد. اما حقیقت برای مردم آشکار شد و او از شدت افسردگی چهره‌ای شیطانی یافته است (آئینه غیب نما،۱۳۲۵ه.ق، شماره۱۱: ۳). این کاریکاتور به خوبی روش ایجاد اعتبار کاذب را نمایش می‌دهد که افراد با استفاده از پول می‌توانستند آن را دریافت کنند.

در شماره دیگری، به فردی اشاره شده که به دلیل نداشتن پول، تشخصش را ازدست داده است. این روزنامه ادعا می‌کند که مجلس توانسته تشخص پولی افراد را از بین ببرد و بدین وسیله سبب ایجاد برابری در جامعه گردد (همان، شماره۴: ۴).

نکته قابل توجه آن است که همین روزنامه_ها نیز گاهی درگیر معامله‌ی تشخص می‌شدند؛ آئینه غیب نما اذغان می‌کرد که با دریافت پول، تصاویر برخی افراد را چاپ می‌کرد (همان، ش۸: ۴). به عنوان نمونه، عطارها و سقط فروش ها، هزینه چاپ تصویر «آقا شیخ حسین سقط فروش»، نماینده مجلس را پرداخت کردند تا از طریق رسانه، اعتباری برای او ایجاد کنند(همان، ش۱۳: ۱). این مورد نشان می‌دهد در برخی از روزنامه‌ها ، با وجود نقد به این موضوع، این امر رواج داشته و حتی حالت عادی به خود گرفته بود.

در واقع، پول و ثروت نه تنها به توسعه کشور کمک می‌کرد، بلکه تشخص افراد را نیز شکل می‌داد؛ به گونه‌ای که حقیقت و دروغ را در هم می‌آمیخت، و افراد مشروطه‌طلب را به مستبد و بالعکس تبدیل می‌کرد(آئینه غیب نما،۱۳۲۶ه.ق،شماره۲۹: ۱). پول می‌توانست یک وکیل را خائن و یک ناطق را خاموش کند.مجازات خاطیان را لغو کرده و حتی قادر بود بی‌گناهان را مجازات کند (همان: ۴). به طور کلی، افراد قادر بودند با پول برای خود تشخص بخرند یا اعتبار دیگران را زیر سوال ببرند.این

موضوع نشان‌دهنده آن است که راه‌های بسیاری برای کسب، حفظ و از بین بردن تشخص وجود داشت که همه با استفاده از پول ممکن می‌شد. روزنامه‌ها با انعکاس این خبر قصد داشتند ریشه دار بودن این رفتار را نمایش دهند، همچنین نقدی به این اوضاع داشته باشند تا افراد نه بر حسب ارزش های اقتصادی، بلکه بر حسب شایستگی، احترام و اعتبار کسب کنند.

نتیجه‌گیری:

بررسی محتوای روزنامه‌های سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ ه.ق نشان داد که روزنامه‌ها تلاش داشتند رابطه میان ثروت و اعتبار اجتماعی را نقد کنند؛ این رویکرد برخلاف رویکرد توصیفی سفرنامه ها بود. در واقع روزنامه‌ها نقش نقادانه خود را در بازتاب اخبار تشخص مالی و اعتبار اجتماعی حفظ کرده بودند.

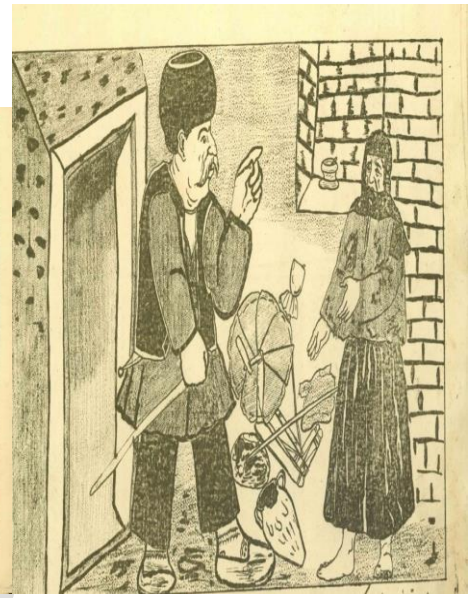
مطالب نشان می‌دهد که ثروت ابزار مهمی برای ایجاد، تائید، تثبیت و تخریب تشخص بود. اخبار روزنامه‌ها تشخص نمایشی بر اساس سبک زندگی، تشخص کاذب بر اساس رشوه و تخریب رقبا با استفاده از ثروت را منعکس کرده و به نقد آن می‌پرداختند. این موارد با مفاهیم تشخص زیمل قابل تفسیر هستند؛ در نظریه پول زیمل، پول نقش اساسی در تولید و ایجاد هویت اجتماعی افراد دارد و ثروت عامل مهمی در ایجاد تشخص است، تشخصی که به جای شایستگی و صلاحیت افراد، بر اساس پول و دارایی شکل گرفته و تثبیت می‌شود.

برخی از روزنامه‌های کاریکاتور محور از جمله آئینه غیب نما و آذربایجان نیز در تلاش بودند تشخص را به تصویر بکشند؛ این کاریکاتورها تاثیر پول و ثروت در مخدوش سازی چهره‌ی اجتماعی افراد را به خوبی نمایان می‌سازند.کارکرد پول در این تصاویر، نشان از ریشه‌دار بودن تشخص در جامعه است، زیرا از یک سرباز که تلاش می کند با پول، تشخص ایجاد کند تا فرد صاحب منصبی که با پول تلاش دارد، چهره وزیر داخله را مخدوش سازد، موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. این روزنامه‌ها جز بررسی این موارد راهکارهایی نیز ارائه می‌کردند، از جمله کاهش قدرت مالی برخی افراد و نظارت قانونی و تصویب قوانین مجلس برای مقابله با تشخص های مالی، که در جامعه حاکم بود.

در یک تحلیل دقیق‌تر، بررسی اخبار روزنامه‌ها نشان داد که اعتباری که بر اساس ثروت ایجاد شده بود، در جامعه رواج داشت و حتی میراث دوران قبل بود. این موضوع به علت ریشه دار بودن، نمی‌توانست بر اساس نقد روزنامه‌ها و یا راهکارهای نویسندگان حل شود، بلکه نیاز به برنامه ریزی و قانون داشت. طبق مطالب روزنامه‌ها نبود قانون دقیق در مورد روابط ارباب و رعیت و فساد اقتصادی حاکم، تشخص های مالی به ابزار قدرتمندی تبدیل شده بود که باعث ناحقی های بسیاری در حق مردم عادی می‌شد.

پژوهشگران آتی می‌توانند با استفاده از داده‌های این پژوهش، موضوع جدیدی را مورد بررسی قرار دهند. از جمله بررسی تطبیقی روزنامه‌های مشروطه با روزنامه‌های دوره‌ی پایانی قاجار، می‌تواند یکی از موارد مهم باشد؛ زیرا این نوع پژوهش‌ها می توانند تداوم یا عدم تداوم این روند را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند؛ همچنین استفاده از نظریات جامعه شناسان دیگر، در کنار استقاده از نظریات زیمل نیز می تواند یکی از مواردی باشد که مورد بررسی قرار بگیرد.

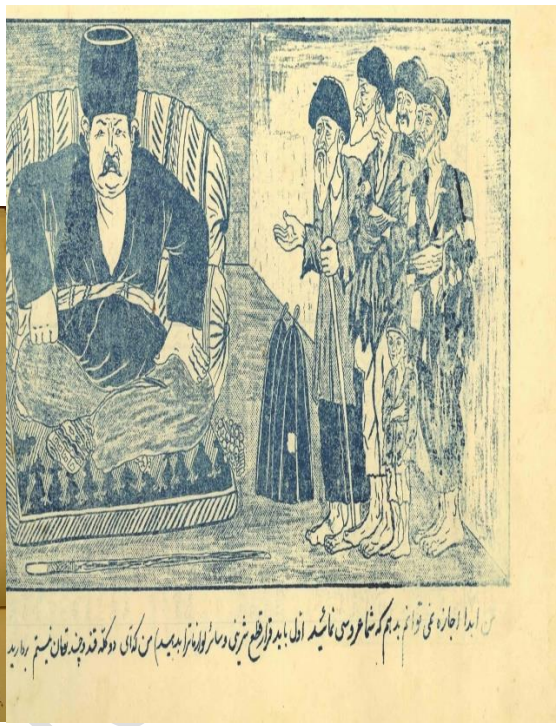
پیوست ها:



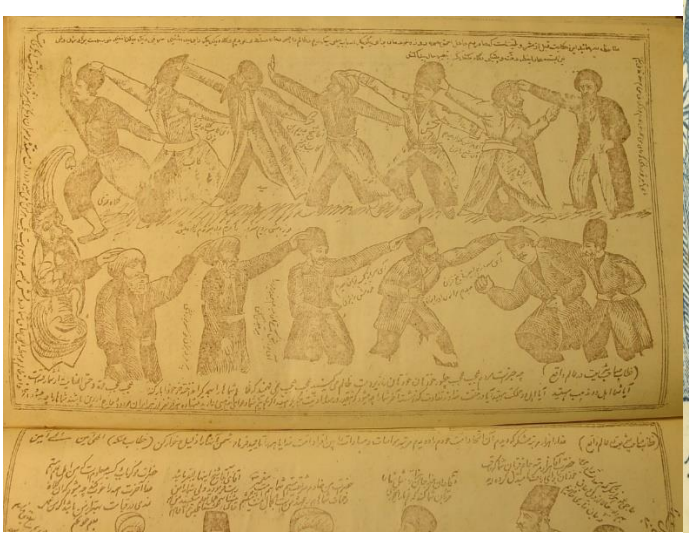
(آذربایجان، ۱۳۲۵ه.ق، شماره۱۲: ۴)



(آذربایجان،۱۳۲۵ه.ق،شماره ۱: ۸)



(آذربایجان،۱۳۲۵ه.ق،شماره ۲: ۸)



(آئینه غیب نما،۱۳۲۵ه.ق، شماره۹: ۳)



(آئینه غیب نما، ۱۳۲۵ه.ق،شماره۱۱: ۳)

فهرست منابع و مآخذ:

۱.منابع فارسی:

کتاب‌ها:

–آدمیت،فریدون(۱۳۶۳). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران،تهران، پیام.

–ارفع الدوله،میرزا رضاخان(۱۳۴۵). ایران دیروز:خاطرات پرنس ارفع، تهران،چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر.

– اولیویه،گیوم آنتوان(۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی– اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه، ترجمه محمد طاهر میرزا، تهران، اطلاعات.

– باقری ده آبادی، علیرضا(۱۳۹۲). مطبوعات ارگان در ایران از مشروطه تا انحلال مجلس سوم، تهران، گستره.

– بنجامین، س.ج (۱۳۶۲).سفرنامه بنجامین نخستین سفیر ایالت متحده امریکا در ایران عصر ناصرالدین شاه، ترجمه مهندس محمد حسین کردبچه، تهران، چاپخانه علمی.

– پرویز، عباس (۱۳۲۸). تاریخ تمدن جدید ایران: طبق برنامه سال ششم ادبی، تهران، دانش.

–حسنی،سید رحمان (۱۳۹۶).تاریخچه شیلات شمال(بر اساس اسناد آرشیوی)،تهران، مروارید بحر علم.

– جلالی، نادره(۱۳۸۹). تاریخ مطبوعات و احزاب سیاسی در عصر قاجار، تهران، پیام نور.

– دالمانی، هانری رنه، سفرنامه از خراسان تا بختیاری: مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحتی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه، ترجمه فره وشی (همایون)، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۵.

– درووِیل، گاسپار(۱۳۸۸). سفرنامه درووِیل، ترجمه جواد محیی، تهران، نیک فرجام.

–دوگوبینو، آرتور(۱۳۸۳). سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دوگوبینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی،تهران،نشر قطره.

– رایس، کلارا کولیور(۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان: سفرنامه کلارا کولیور رایس، ترجمه اسدالله آزاد، تهران، کتابدار.

– زیمل،گئورگ(۱۴۰۰). فلسفه پول، ترجمه جواد گنجی، تهران، مرکز.

– سرنا،کارلا(۱۳۶۲). آدمها و آیینها در ایران: سفرنامه کارلا سرنا، ترجمه علی اصغر سعیدی، بی جا، نقش جهان.

– قزوینی، محمد شفیع(۱۳۷۰). قانون قزوینی: انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری به همراه رساله پیشنهادی برای اصلاح امور مملکت، به کوشش ایرج افشار، بی جا، طلایه.

-کامیاب، مریم(۱۳۹۷). جریده نگاران: کارکردهای ادبیات مطبوعاتی در مشروطه ایرانی، تهران، نشر فلات.

-کرایب،یان(۱۳۸۲). نظریه اجتماعی کلاسیک: مقدمه ای بر اندیشه مارکس، وبر، دورکیم و زیمل، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران، آگه.

-کرزن،جرج ن(۱۳۷۳).ایران وقضیه ایران،ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی،ج۲، بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی.

- کسروی، احمد(۱۳۸۵). تاریخ مشروطه ایران، تهران ، نگاه.
-کهن، گوئل(بی تا). تاریخ سانسور در مطبوعات ایران: از صدور مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی، ج ۲، تهران، آگاه.
- گمنام(۱۳۶۳). گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ ق/ ۱۸۸۷ م از یک سیاح روس، ترجمه سید عبدالله، به اهتمام محمد رضا نصیری، تهران، کتابخانه طهوری.

-محیط طباطبایی، محمد(۱۳۶۶). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، بعثت.
- ملک زاده، مهدی(۱۳۸۳).تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، تهران ، سخن.

-ناظم الاسلام کرمانی، میرزا محمد علی(۱۳۷۷). تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، ج۲،تهران، پیکان.

-هله،هرست(۱۳۹۳). اندیشه اجتماعی گئورگ زیمل، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران،گل آذین.

مقالات:

- ایزدی، حسین(۱۳۷۷). «*اولین محاکمه رسمی یک روزنامه نگار در ایران*»، انقلاب اسلامی، س ۱، ۲۲۴-۲۰۹.
-راسخ،کرامت اله ، سادات شریفی، فرید و خدامی، علیرضا(پاییز و زمستان ۱۴۰۰). «واکاوی قدرت اقتصادی در دوران قاجار از دیدگاه منابع قدرت اجتماعی مایکل مان»،جامعه شناسی تاریخی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۳، شماره ۲،صص۲۱۵-۱۷۹.

-زیمل،گئورگ(پاییز۱۳۷۳). «پول در فرهنگ مدرن»، ترجمه یوسف اباذری، فصلنامه فلسفی،ادبی وفرهنگی ارغنون،شماره ۳،صص ۳۳۸-۳۲۵.

-علیزاده بیرجندی،زهرا(پاییز و زمستان۱۳۹۹). «عوامل موثر بر گزینش الگوهای سبک زندگی در دوره قاجار» ،جستارهای تارخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۲،صص۲۳-۱.

-کجباف،علی اکبر، الهیاری، فریدون و بختیاری، سمیه(زمستان ۱۳۹۲). «نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی(۱۲۱۰ تا۱۳۴۴ق/۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ م)» ، پژوهش‌های تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۴۹، شماره ۴،(شماره پیاپی ۲۰)،صص ۵۴-۳۹.

-کیان فر، جمشید(۱۳۸۸).«مطبوعات دولتی ایران در عصر قاجار»، پیام بهارستان، س ۱، ش ۳، ۲۹۹-۲۷۳.

–مافی تبار،آمنه و شریف زاده، عبدالمجید(۱۴۰۱). «نظری بر اجزاء اصلی تن جامه های زنانه در اندرونی دربار قاجار(از دوره فتحعلی شاه تا پایان عصر ناصری) »،دوفصل نامه علمی نگارینه هنر اسلامی، دوره ۹، شماره۲۴، ۱۹۴–۱۷۹.

روزنامه‌ها:

– آذربایجان(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۱، ۹ محرم الحرام.

– آذربایجان(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۲، ۱۵ محرم الحرام.

– آذربایجان(۱۳۲۵ه.ق).شماره ۷، ۲۲ صفرالمظفر.

– آذربایجان(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۱۲، غره ربیع الآخر.

– آئینه غیب نما(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۱، پنجشنبه ۱۷ ربیع الثانی.

– آئینه غیب نما(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۲، پنجشنبه ۲۴ ربیع الثانی.

– آئینه غیب نما(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۴، پنجشنبه غره جمادی الاول.

– آئینه غیب نما(۱۳۲۵ه.ق). شماره۵، پنجشنبه ۸ جمادی الاول.

– آئینه غیب نما(۱۳۲۵ه.ق). شماره۸، پنجشنبه ۲۹ جمادی‌الاول.

– آئینه غیب نما(۱۳۲۵ه.ق). شماره۹، پنجشنبه هفتم شهر جمادی الثانی.

– آئینه غیب نما(۱۳۲۵ه.ق). شماره۱۱، پنجشنبه ۲۸ جمادی الثانی.

– آئینه غیب نما(۱۳۲۵ه.ق). شماره۱۳، ۱۳ شنبه ۱۴ رجب.

– آئینه غیب نما(۱۳۲۶ه.ق). شماره۲۹، دوشنبه سیزدهم صفر المظفر.

– الجمال(۱۳۲۵ه.ق). شماره۱۸، شنبه ۲۳ جمادی الثانیه.

– الجناب(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۱۰، محرم.

–المنطبعه فی الفارس(۱۲۸۹ه.ق). شماره ۹، سال اول ۲۱ شعبان المعظم.

– انجمن مقدس ملی اصفهان(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۱۱، یکشنبه ۲ صفر المظفر.

– ایران نو(۱۳۲۷ه.ق). شماره ۵، یکشنبه ۱۲ شعبان المعظم.

–ترقی(۱۳۲۵ه.ق).شماره ۱۳، پنجشنبه ۱۰ ربیع الثانی.

–تمدن(۱۳۲۵ه.ق). شماره۳، ۲ محرم الحرام.

–جهاد اکبر(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۱۸، ۲۴ شهر جمادی الاولی.

– جهاد اکبر(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۲۴، ۱۲رجب المرجب.

– روح القدس(۱۳۲۵ه.ق). شماره۱۱، دوشنبه ۱۳رمضان.

– رهنما(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۹، سه‌شنبه ۲۹ شعبان.

–شاهنشاهی(۱۳۲۴ه.ق). شماره ۹، سه شنبه۲۶ ذی الحجه الحرام.

– مساوات(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۲، یکشنبه ۱۹ رمضان المبارک.

–مساوت(۱۳۲۶ه.ق). شماره۱۴، یکشنبه ۲۰ محرم الحرام.

–ندای اسلام(۱۳۲۵ه.ق). شماره۱۵، پنجشنبه ۱۸ ذیحجه.

–ندای اسلام(۱۳۲۵ه.ق). شماره۲۸، جمعه ۲۰ رجب المرجب.

–ندای اسلام(۱۳۲۵ه.ق). شماره۲۹، جمعه ۲۷ رجب المرجب.

–ندای اسلام(۱۳۲۵ه.ق). شماره۳۰، جمعه ۱۱ شعبان المعظم.

–ندای وطن(۱۳۲۵ه.ق). شماره ۱۶، شنبه غره صفرالمظفر.

– ندای وطن(۱۳۲۵ه.ق). جلد۲، شماره ۸۳، پنجشنبه ۹ رمضان

– ندای وطن(۱۳۲۶ه.ق). جلد۲، شماره۱۸۸ و ۱۸۹، دوشنبه ۲۱ محرم.

– ندای وطن(۱۳۲۶ه.ق).جلد۲، شماره ۲۲۵ و ۲۲۶، دوشنبه ۱۱ ربیع الاول.

2. References:

-Ingham,Geoffrey(2004).The nature of money,EconomicSociology,European Electronic Newsletter,Max Plank Institute for the study of Societies,vol5,Iss2.

- Bashir, Hasan, (2000).The Iranian press and modernization under the Qajar's, Thesis submitted for the degree of doctor of philosophy, Leicester university, center for mass communication research.

-Simmel,Georg,(2004).The Philosophy of money,translated by Tom Bottomore and David Frisby, England, Routlage.

Reflection of the Effect of Wealth on Social Reputation in Newspapers of the Constitutional Era (1325-1326 AH)

During the Qajar era, the relationship between wealth and social prestige was deeply established, and wealth was considered an important tool for achieving social identity and prestige. This trend continued during the Constitutional era, but the press tried to criticize it. The present article, with the aim of examining the reflection of this issue in the publications of the Constitutional era, examines newspapers published in the years 1325 to 1326 AH using a descriptive-analytical method.The main goal of the research is to answer the question of how wealth played a role in the display of social prestige from the press's perspective and what methods the press used to criticize it. The issue of social prestige and identity is one of the key issues in Georg Simmel's thought, and this article examines the issue based on his theory. The findings show that the press has not only introduced wealth as a tool for creating identity,but has also seriously criticized it. The representation of this type of social prestige can be seen in three axes: displaying lifestyle, producing false prestige through bribery,and destroying the position of individuals with financial power. Newspapers were trying to question this form of social prestige and introduce it as contrary to constitutional principles.The results show that although the effect of the press was limited, they were able to clearly portray social anomalies.

Keywords: Constitutionalism, social prestige, identity, press, Simmel.

در حال ویرایش